

بررسی فرهنگ شفاهی سخن

بهمن فاطمی

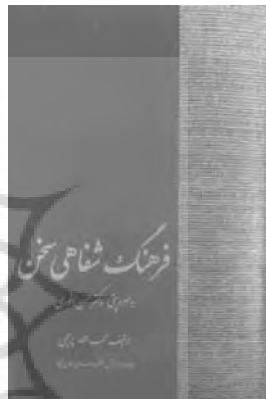
که مردم فرهیخته یا مردم عامی در گفتار خود به کار می‌برند. این بُعد از زبان، از محدودیت‌ها و دستور زبانی که بر زبان معیار حاکم است، آزاد است و بیشتر مردم، مخصوصاً طبقه‌های خاصی از جامعه، به صورت دلخواه خود، واژگان، اصطلاحات، تعبیرها، کنایه‌ها، مثل‌ها و جز اینها را در گفتار و نوشته‌های خود می‌سازند و به کار می‌برند.

دکتر حسن انوری در تعریف زبان معیار نوشته‌است: «کلمه معیار در زبان فارسی، در مقابل اصطلاح فرنگی "استاندارد" به کار می‌رود و در حالت کلی، به آن صورتی از زبان اطلاق می‌شود که افراد کشوری چون ایران، که به لهجه‌ها و گویش‌ها و گونه‌های محلی تکلم می‌کنند، آن را وسیله ارتباط در میان خود به کار می‌برند... زبان فارسی در حالت کلی، در ایران زبان معیار است. قید "حالت کلی" برای آن است که در داخل این زبان معیار، گونه‌های معیار دیگری هست و در وهله اول، دو گونه گفتاری و نوشتاری در آن بارزتر است. گونه گفتاری، همان است که مردم در پایتخت بدان سخن می‌گویند و در برنامه‌های نمایشی، سینمایی، تفریحی رادیو و تلویزیون شبکه سراسری به کار می‌رود، و گونه نوشتاری در حالت کلی به زبان مکتوب در کشور، زبان رسانه‌های رسمی، زبان کتاب‌های درسی، زبان پایان‌نامه‌های دانشگاهی، زبان بخشنامه‌های اداری، زبان قانون‌نامه‌ها و جز آنهاست» (انوری - عالی عباس‌آباد، ۱۳۸۵: ۱۴).

به‌جز برخی از واژگان و اصطلاحات، با دقت و ظرافت، نمی‌توان مرز بین زبان رسمی و زبان عامیانه را تعیین کرد؛ ولی زبان کوچه‌بازاری و واژگان و اصطلاحاتی که به دست عده‌ای از طبقات اجتماعی ساخته می‌شود، تشخیص‌دانی هستند.

با توجه به نقشی که این نوع واژگان در فرهنگ عامیانه مردم دارند و در مباحث هویت‌های ملی و اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مبانی بررسی هویت هر گروه و جامعه‌ای محسوب می‌شود، باید آنها را از مهم‌ترین ارکان اجتماع به شمار آورد و در جمع‌آوری و تألیف آنها کوشا بود.

فرهنگ شفاهی سخن، صورت تحول‌یافته و اصلاح‌شده کتابی با عنوان پس‌کوچه‌های فرهنگ است که در سال ۱۳۸۲ در انتشارات «فرهنگ ماهرخ» با قلم محب‌الله پرچمی به چاپ رسید. با مطالعه این دو کتاب و مقایسه آنها، به نکات بارز و مهمی از نظر زبان‌شناسی، دستور زبانی و معنی و مفهوم و حوزه کاربرد زبان کوچه‌بازاری و تکیه‌کلام‌های آن بر می‌خوریم. بزرگ‌ترین تفاوت آنها، وجود غلط‌ها و تشبیهات معنی‌ها در چاپ اول کتاب است. در پس‌کوچه‌های فرهنگ اغلب واژگان، اصطلاحات و ... بدون مراجعه به لغتنامه و فرهنگ‌های زبان فارسی، از ذهن و ضمیر



* فرهنگ شفاهی سخن

* محب‌الله پرچمی

* به سرپرستی دکتر حسن انوری

* مقدمه و ویرایش: دکتر یوسف عالی عباس‌آباد

* چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۸

فرهنگ شفاهی سخن، فرهنگی است که با تألیف محب‌الله پرچمی، به سرپرستی دکتر حسن انوری و مقدمه و ویرایش دکتر یوسف عالی عباس‌آباد، در سال ۱۳۸۸ به وسیله انتشارات سخن به چاپ رسید.

فرهنگ شفاهی سخن در خصوص زبان کوچه‌بازاری و عامیانه و واژه‌ها، عبارات، اصطلاحات و جمله‌هایی است که به وسیله این قشر اجتماع ساخته و وارد زبان فارسی می‌شود و گاهی برخی از آنها در زبان رسمی و معیار نیز به کار می‌رود. به این سبب، پرداختن به این مسئله و کاوش درباره آنها و ماهیت و منشأ تولید آنها، از مسائل مهم زبان‌شناسی و تاریخی زبان فارسی است. حوزه کاربرد آنها نیز مربوط به فرهنگ اجتماع می‌شود؛ یعنی با توجه به نکات ذکرشده، مشخص می‌شود که مثلاً دو اصطلاح - نام «تام کروز» و «آلن دلن» چه کاربردی دارند، چرا ابداع شده‌اند و در کدام حوزه معنایی - فرهنگی و اجتماعی به کار می‌روند.

زبان کوچه‌بازاری و عامیانه در مرتبه گفتار و مکالمات روزمره، بخش دوم زبان است - بخش اول زبان، زبان رسمی یا معیار است -؛ زبانی

نویسنده معنی شده است و یا منابعی که به آنها مراجعه کرده بود، چندان اعتبار نداشت و از این طریق، غلط‌های فراوانی به آن راه یافته، آن را از نظر علمی تحت‌الشعاع قرار داده بود.

دکتر یوسف عالی عباس‌آباد، یکی از ویراستاران فرهنگ بزرگ سخن که ویرایش این کتاب را به عهده داشته است، ضمن برشمردن مشکلاتی که در خصوص ویرایش داشته، به نکات مهمی اشاره کرده است، که به دو مورد از آنها اشاره می‌شود:

۱. «یکی از مشکلات دیگر این فرهنگ، حضور ممتد مثل‌ها و کنایه‌ها در آن بود. مثل‌ها و کنایه‌ها، میانی و تعریف‌هایی برای خود دارند و نمی‌توان آنها را در داخل فرهنگ کوچک‌بازاری و عامیانه قرار داد؛ بلکه با جمع‌آوری آنها در یک فرهنگ مخصوص، باید حفظ و گسترش آنها را در بین مردم عهده‌دار شد. برخی از مثل‌ها و کنایه‌ها عمدتاً ربطی به فرهنگ شفاهی مردم ندارند و نمی‌شود کاربرد آنها را فقط در فرهنگ عامیانه و شفاهی مردم تلقی کرد؛ در حالی که در نوشته‌های رسمی و سخنرانی‌های مهم نیز با توجه به حوزه کاربرد آنها، به کار می‌روند...» (انوری - پرچمی - عالی عباس‌آباد، ۱۳۸۸: ۱۷).

۲. «مشکل فارسی‌نویسی، از دیگر معضلات این فرهنگ بود. در تعریف‌هایی که نویسنده محترم برای مدخل‌ها نوشته بود، به هیچ وجه یک‌دستی نثر فارسی وجود نداشت. با توجه به منابعی که نویسنده مدخل‌ها را از آنها جمع‌آوری کرده بود، در برخی، نثر، معطوف به واژه، نحو و جمله‌بندی زبان کوچک‌بازاری و «پایین‌شهری» بود و در برخی از آنها، نثر و واژگان کهن فارسی به کار رفته بود؛ به گونه‌ای که خواننده مدخل برای دریافت معنی آن، باید به فرهنگ لغات فارسی مراجعه می‌کرد. مضاف بر اینکه نثر این مدخل‌ها و تعریف‌ها، مربوط به حوزه کهن زبان فارسی بود» (همان: ۱۷-۱۸).

به اجمال باید گفت که ویرایش‌کننده محترم کوشیده است با اعمال ویرایش و اصلاحات سازنده و با مطالعه فرهنگ‌های مربوط به زبان عامیانه زبان فارسی، مانند فرهنگ فارسی عامیانه تألیف استاد ابوالحسن نجفی، و ذکر مدخل‌هایی که در گفتار و اعتقادات عامیانه مردم وجود دارد و نوشتن تعریف‌های مناسب، این فرهنگ را هرچه بیشتر به زبان معیار فارسی نزدیک کند و با آشنایی با شیوه فرهنگ‌نویسی، شیوه درستی نیز از هر جهت برای بهبود آن به کار ببرد.

با این اوصاف، می‌شود گفت که فرهنگ شفاهی سخن، تألیفی جدید به شمار می‌رود؛ تألیفی که برخی از موارد و نکات آن در پس کوچه‌های فرهنگ موجود بود؛ منتها با غلط‌ها و مشکلات بسیار زیاد که آن را از درجه علمی ساقط کرده بود.

ویژگی‌های فرهنگ‌نویسی

۱. از ویژگی‌های مهم فرهنگ‌نویسی این کتاب، ایجاز در نوشتار است. چنان که ذکر شد، ویرایش‌کننده که خود مؤلف کتاب فرهنگ در دست‌نویسی سخن است. به مدد آشنایی با اصول فرهنگ‌نویسی، آنها را در نوشتار خود به کار برده و در تعریف یا ذکر معنی و حوزه کاربرد آنها، از به کار بردن عبارتهایی مانند «این اصطلاح به چیزی گفته می‌شود...»، «این واژه زمانی به کار برده می‌شود...»، «حوزه معنایی این تکیه کلام در این است...» و ... پرهیز کرده و دست به درازنویسی نزده است. چند نمونه ذکر می‌شود:

تیلیف: تَلْفَطْ غَلَطِ تَلْفَن.

جاجول: رخت‌خواب.

دفاع من تو من: مهار نفر به نفر بازیکنان حریف.

دفترچه خاطرآت: سفره.

سیب زردخوردن: مجروح شدن.

۲. اشاره به تمام حوزه‌های کاربرد واژه، اصطلاح، تکیه کلام و یا جمله. به

چند نمونه اشاره می‌شود:

آدم چوله: ۱. کسی که عادت بر بی‌اعتبار کردن کسی دارد؛ ۲. آدم کودن؛

آدم نفهم.

ابول: ۱. هالو؛ ۲. محل ریختن تهمانده چیزی؛ ۳. پسر یا مردی که سر و

وضعش مطابق مَدروز نیست.

جاجالی با: ۱. دیدار دسته‌جمعی از اهل خانه کسی که به سفر رفته باشد؛

۲. دیدار دسته‌جمعی از دختری که به خانه بخت رفته باشد؛ ۳. هدیه‌ای که

صاحب خانه برای مهمانی که از نزدش رفته، یا دخترش که به خانه بخت

رفته باشد، فرستد.

قرتی قوال: ۱. با ادا و اطوار؛ ۲. بدلباس و بدمو؛ ۳. سوسول.

۳. شیوه ارجاع‌دهی مدخل‌ها به همدیگر. در این روش، مدخل‌هایی

که در یک حرف یا بخشی از فعل و اصطلاح و جز اینها اختلاف دارند،

اما اشاره به یک چیز هستند و حوزه کاربرد آنها یکی است، به همدیگر

ارجاع داده شده و معنی و مفهوم آن در شاهد یا مدخل اول نوشته شده

است؛ مانند:

جا انداختن کار کسی را بے کار کسی را جا انداختن.

زنیکه بے زنکه.

لق بودن دهان کسی بے دهان کسی لق بودن.

خوانندگان این فرهنگ - مخصوصاً دانشجویان زبان‌شناسی و ادبیات

فارسی - به نوعی با مجموعه‌ای از موضوع زبان کوچک‌بازاری و نمونه‌های آن

آشنا می‌شوند و از این راه، ضمن شناخت آنان درباره ادبیات کشورشان، به

رگه‌هایی از نقد و ارزیابی ادبی نیز دست می‌یابند.

فرهنگ شفاهی سخن ایرادهای جزئی دارد. این ایرادها و اشکالات عبارتند

از:

۱. شیوه ارجاع‌دهی - که یکی از حسن‌های آن است - در تمام مدخل‌ها

مراعات نشده است. این کار دو علت دارد: یا از نظر نویسنده ربطی به هم

نداشته‌اند و حوزه کاربرد آنها یکی نبوده است، و یا اینکه آنها در بین برخی از

طبقه عامیانه به یک معنی و مفهوم و در میان برخی دیگر دارای معنی متفاوت

بوده است. در صورت اخیر، باید هر دو مفهوم ذکر می‌شد، که این کار انجام

نشده است.

۲. مقدار زیادی از واژگان، اصطلاحات، تکیه کلام‌ها و جز اینها وجود دارد که

به این فرهنگ راه نیافته و به اصطلاح آن را پر و پیمان نکرده است. درگذشت

ناگهانی مؤلف نیز راه را برای تکمیل کتاب بسته است.

کتابنامه

- پرچمی، محب‌الله، ۱۳۸۲، پس کوچه‌های فرهنگ تهران: فرهنگ ماهرخ.

- پرچمی، محب‌الله [به سرپرستی دکتر حسن انوری، مقدمه و ویرایش: دکتر

یوسف عالی عباس‌آباد، ۱۳۸۸، فرهنگ شفاهی سخن. تهران: سخن

- عالی عباس‌آباد، یوسف، ۱۳۸۵، فرهنگ درست‌نویسی سخن. تهران: سخن.

- انوری، حسن [سرپرست]، ۱۳۸۴، فرهنگ امثال سخن. تهران: سخن.